



شهید بهشتی: خطر برای انقلاب
اینجاست که مردم می بینند انقلاب شده
مسکن ندارند و مقدمات زندگیشان را
نمی توانند فراهم کنند. ما را از آن طرف
مرزها نترسانید که در آنجا خطری نیست
، خطر واقعی اینجاست. لذا می خواهند
شما را از خطر واقعی غافل کرده و از
خطر خیالی بترسانند.

صبح قریب

دیکتاتوری ابتذال هنر سفارشی

جنتلن های ساختگی!



فرهنگی

حامد آقار



درمان میکند. اکنون در برهه ی خاص و بحرانی فرهنگی و اجتماعی هستیم و امروز و هر روز در فضای مجازی می بینیم ده ها دانش آموز دختر و پسر در محیط به ظاهر سالم مدرسه فریاد میزنند "آقامون جنتلمنه..." چراکه عده ای با میلیون میلیون دلار ، هژمونی فرهنگی جامعه ما را از آن سوی مرزها میسازند. کاری هم نداریم که وزیر محترم آموزش و پرورش فرمودند که این کلیپ های جنجالی اخیر با تقطیع و برش فیلم ، ترفندهای کامپیوتری و همگام سازی کلمات مسبب به وجود آمدن سوء تفاهم شده است. حتماً تمام آن دانش آموزان دختر و پسر هم که میگفتند " بدو ببین جون بابا ... خودتو بلرزون حالا..." در واقعیت " ای لشکر صاحب زمان ... آماده باش ، آماده باش..." میخواندند! به هر حال باید به وزرای دولت فعلی و قبلی که خودشان را حامدانه یا ناآگاهانه به خواب زدند ، گفت صحت این کلیپ ها خیلی وقت است که برای هنرمندان و صاحب نظران حوزه فرهنگ و هنر آشکار شده است. مشکل از آنجایی شروع شد که شعار و عمل امثال شما اصلاً و ابداً همگرا نشد ؛ شما نمیتوانید به جامعه بگویید که از هنر متعهد و هنر واقعی حمایت میکنید ولی در عین حال همان هنرمند را به گوشه زیرزمین هدایت کنید و او را به سبب سلیقه ای و سطحی نگری در محدودیت محبوس کنید و یا حتی او را از جامعه هنری خط بزنید . البته کسانی هم که از کلیپ های منتشر شده اخیر گله مندند و به ظاهر رگ غیرتشان باد کرده ، نباید از آب گل آلود ماهی بگیرند و اغراض سیاسی کنند ؛ همان طور که گفتم هنر ما بیمار است وگرنه هنگام انتخابات ، کاندیدای محترم برای رأی جمع کردن ، سراغ امثال همین به اصطلاح هنرمندان خوش خط و خال و پر مخاطب نمیرفتند! این را هم در نظر بگیریم که برخورد با کسانی که در مدرسه ها ، این وضع را به وجود آوردند ، چندان مؤثر نیست و فقط صورت مسئله را پاک میکند. این جور حرکت ها در مدارس از همان روز هایی شروع شد که عده ای گفتند : " از توطئه ۲۰۳۰ نمیگذریم..."

هر طور فکر میکنم نمیتوانم خیلی از پدیده های نو ظهور عرصه هنر را خصوصاً در غوغاسالاری موسیقی ها درک کنم. در دوره ای هستیم که موسیقی را به جای اینکه با گوششان بشنوند ، با کمرشان و لرزش اندام میشنوند و درک میکنند ؛ در واقع ملاک ارزش گذاری موسیقی ها ، به لطف تاجران و دلالان و دلارهایشان در آثار سفارشی "هنرپندان یک شبه" ، در انحصار ابتذال و ضدفرهنگی ها قرار گرفته است. در اینجا بحث دیدگاه سیاسی و اجتماعی مطرح نیست ؛ آنچه که حائز اهمیت است ، توجه جامعه و هنرمند به یکدیگر و تعامل متقابل آنهاست. هنر هنرمند و رسالت آن گفتن از واقعیت هاست. حتی بعضی از سوژه های مد نظر هنرمند باید فرا دینی و فرا ملی باشد ؛ شما نه مسلمان باشی و نه ایرانی ، صرف یک انسان هنرمند باید به سوژه پردازی. اساساً هنر باید به مضمون برسد ؛ وگرنه آوانگارد بازی های بی محتوا و فاقد معنا که به جایی نمیرسند. این است که هنر ما در دهه چهارم انقلاب فرهنگی در بستر بیماری است. واقعاً چه شد که عوام به آثار بی محتوا و بی اساس رو آوردند و آنها را به عنوان هنر پذیرفته اند؟! البته نباید از خلق الله انتظار زیادی داشته باشیم ؛ وقتی ما راه و رسم اصولی و ایرانی اسلامی شادی و پایکوبی را نمیتوانیم در موسیقی پیاده سازی کنیم ، طبیعی است که هر چه در این بازار بی در و پیکر فرهنگی عرضه شود ، مورد استقبال مردم قرار میگیرد و بی وقفه تأثیر سوء و نامطلوبش را اعمال میکند. وقتی که مسئولان فرهنگی چه در دولت و چه در نهاد های فرهنگی گوشه و کنار ، مخاطب را بین عاشقانه و عاشقانه مقید میکنند و به نوعی آشکارا این ژانر موسیقی را در قالب غیر اخلاقی و ناپهنجار به جامعه تحمیل میکنند و تمام وقت و انرژی و بودجه فرهنگی را صرف همچنین آثاری میکنند ، طبیعی است که اشعار شاعر ، نت های آهنگساز و صدای خواننده به سمت و سویی میروند که نه با فرهنگ مان همخوانی دارد و نه دردی را از فرهنگ و هنر

میراث فردوسی

در صفحه ۴ بخوانید

تلنگر به مردم

در صفحه ۴ بخوانید

مرگ جاده ای

در صفحه ۳ بخوانید

رنج نامه

در صفحه ۳ بخوانید

دولت الکترونیک

در صفحه ۲ بخوانید

محکمه فریدون

در صفحه ۲ بخوانید

سیاسی

محمدجواد سلطانی نژاد

محکمه فریدون

پرونده قضایی برادر رئیس جمهور

از شهریور ۹۲ با انتصاب حسین فریدون به عنوان دستیار ویژه رئیس جمهور در امور اجرایی حضور وی در هیئت دولت رسمیت پیدا کرد. در بهمن ۹۴ با افشاگری نمایندگان از باندهای فساد به ارتباط فریدون با شب دوست(یکی از بزرگترین بدهکاران بانکی) اشاره شد. همچنین اقدامات غیر قانونی برای تاسیس صرافی از سوی برادر رئیس جمهور توسط تعدادی از نمایندگان برملا شد. با وجود انتقاد نمایندگان مردم وی همچنان در مذاکرات ۱+۵ و در جلسات شورای عالی فرهنگی حضوری فعال داشت! در ماجرای فیش های نجومی هم متهم شد اما این شائبه هم مانند قبل روشن نشد و حضور او در جلسات ادامه داشت و این به یک ابهام جدی تبدیل شد . پس از کش و قوس های فراوان آقای اژه ای در ۲۵ تیر



هفته اخیر یکی از خبرهای مهم ، دادگاه حسین فریدون بعد از گذشت مدت ها انتظار بود که نشان داد هر فردی به دور از منصب و روابط باید جوابگوی کارهای خود باشد و به نظر می رسد این مطالبه مردم ، در دوره ریاست آیت الله رئیسی با توجه به رسیدگی این پرونده و صدور حکم ، محقق خواهد شد. اما برگزاری دادگاه به صورت علنی مؤثرتر و بازدارنده تر خواهد بود . چنین پرونده ای که موضوعی ندارد ، تا مصلحت نظام را تحت الشعاع قرار دهد ، انتظار این

سیاسی

محمدعلی نادری فر

دولت الکترونیک

وعده زمین مانده دولت ها

بهبود وضعیت پیاده سازی دولت الکترونیک در ایران سبب شد تا با ارتقای ۲۰ رتبه در جهان به رده ی ۸۶ صعود کند: همچنین وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات در نخستین سال از اجرای برنامه ششم توسعه به دو سوم اهداف تعیین شده برسد. دولت الکترونیک به معنای اطلاع رسانی و ارائه خدمت به موقع ، دقیق و کارا در همه ساعت های شبانه روز از طریق وسایل ارتباطی

شامل تلفن ، اینترنت و شبکه های اجتماعی است که به کارگیری آن در بخش های مختلف دولت برای افزایش بهره وری و ارتقای سطح خدمات رسانی بوده و مهم ترین نتیجه آن ، افزایش رضایت مردم و پیشگیری از بروز فساد است. بر این اساس با هدف ایجاد تغییر بنیادین در ساختار قدیمی نظام اداری کشور ، سازمان فناوری اطلاعات طرح ملی دولت الکترونیک را که از سال ها پیش متوقف مانده بود ، احیا و اقدام های لازم برای الکترونیکی سازی را آغاز کرد. طرح ملی دولت الکترونیک بر اساس ارزیابی شورای فناوری اطلاعات از رشد ۳۸,۹۵ درصدی تا پایان سال گذشته برخوردار شد. به گزارش روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات ، در آخرین رتبه بندی کشورها از نظر شاخص های EGDی که بیانگر وضعیت پیاده سازی دولت الکترونیک در جهان به شمار می رود ، ایران با رشد ۲۰ پله ای، جایگاه خود را در میان ۱۰۶ کشور

جهان به رتبه ۸۶ ارتقا داده است. ارتقای رتبه ایران از نظر شاخص های دولت الکترونیک در حالی است که مطابق برنامه ششم توسعه ، ایران باید در پنج سال حداقل ۳۰ رتبه جایگاه خود را بهبود بخشد. بنابراین ارتقای ۲۰ رتبه ای ایران در سال اول برنامه ششم توسعه ، بسیار قابل توجه است. سازمان فناوری اطلاعات کرده به زودی جزئیات بیشتری درباره این تحولات منتشر خواهد کرد. آیین نامه اجرایی تحقق دولت الکترونیک در ایران مصوب شورای عالی اداری و بر اساس طرح توسعه کاربردی فناوری اطلاعات تکفا مربوط به پانزدهم تیرماه سال ۱۳۸۱ است که بر اساس آن دولت مکلف به ارائه خدمات غیرحضورى به مردم با هدف بهبود کیفیت ، کاهش هزینه ها و گردش سریع اطلاعات بین دستگاه های اجرایی شد. بر پایه گزارش سال ۲۰۱۶ سازمان ملل ، ایران از نظر دولت الکترونیک در جایگاه ۱۰۶ جهان قرار داشت و حتی نسبت به سال ۲۰۱۴ یک رتبه تنزل کرد. شاخص توسعه دولت الکترونیک ، یک شاخص اندازه گیری ترکیبی برای سنجش تمایل و ظرفیت استفاده یک دولت از ابزارهای ارتباطات و فناوری اطلاعات برای ارائه خدمات عمومی است. این شاخص بر اساس بررسی جامع توسعه برخط ۱۹۳ کشور عضو سازمان ملل متحد صورت گرفت و در آن ویژگی های فنی وبسایت های ملی و همچنین سیاست ها و راهبردهای دولت الکترونیک برای ارائه خدمات ضروری ارزیابی شد. مقایسه آمارهای مربوط به وضعیت دولت الکترونیک ایران در فاصله سال های تا ۲۰۱۸ میلادی نشان می دهد جایگاه ایران از ۱۰۲ در سال ۲۰۱۰ به رتبه ۱۰۰ در سال ۲۰۱۲ و سپس ۱۰۵ در سال ۲۰۱۴ و سپس ۸۶ در سال ۲۰۱۸ رسید. این آمار و ارقام در حالی به دست آمده که دولت آنچنان که توانایی پیاده سازی دولت الکترونیک را دارد ، همت نگماریده است ؛ حال اگر دولت تمرکز بیشتری در این حوزه داشته باشد میتواند ساختار معیوب اداری کشور را دگرگون کند و بسیاری از مشکلات این حوزه را برطرف نمایند.



اجتماعی

رضا جدیدی



یک دو سه ... مرگ جاده ای!



مشکلی پراهمیت ولی تکراری ، مشکلی که روز و شب با آن درگیر هستیم. هر روز صبح در دانشگاه یا محل کارمان ، قبل از سلام و احوال پرسی ، هنوز از راه نرسیده شکایت میکنیم و یا وقتی که دیر به کلاس درس میرسیم و با نگاه غضب آلود استاد مواجه میشویم اولین توجیهی که به ذهنمان میرسد ترافیک و خیابان های شلوغ است. اما تا به حال به این فکر کرده ایم که ما هم در به وجود آمدن این مشکل تأثیر بسیار زیادی داریم. می‌رسید چطور؟ نمونه اش ناهنجاری ها و قانون شکنی هایی است که چه به عنوان عابر پیاده و چه به عنوان راننده ، هر روز دست به ارتکابشان میزنیم و چه بسا این قانون شکنی ها و نادیده گرفتن قوانین راهنمایی و رانندگی موجب زیان ها و خسارات جبران ناپذیری مثل تلفات در حوادث و تصادفات رانندگی بشود که موضوع اصلی مورد بحث ما هم هست. مرگ ایرانی ها در تصادفات و سوانح رانندگی آنقدر راحت رخ می‌دهد که گاهی به معنای واقعی کلمه انسان را مغموم می‌کند که چرا بهای “جان ایرانی ” در جاده‌ها تا این حد پایین است؟ چرا هزاران ایرانی در این سال‌ها قربانی سوانح رانندگی شدند و می‌شوند؟ تقصیر این مرگ‌های جاده‌ای بر گردن کیست؟ جاده ای کیست؟ خودروها؟ یا خود ما ایرانی‌ها؟ اگر از مردم یا حتی مسئولان پیرسیم مقصر این کشتارهای جاده ای کیست؟ بسیاری از آنها انگشت اتهام را به سمت خودرو سازان نشانه می‌روند و از خودروسازان به عنوان متهم ردیف اول در این امر نام می‌برند و عده ای هم با انصاف بیشتری قضاوت میکنند و در کنار خودروسازان از جاده های ناامن و غیر استاندارد در تلفات جاده ای نام می‌برند. آیا یک خودروی بی کیفیت و جاده ی ناامن به تنهایی باعث حادثه و کشته شدن یک شخص میشود؟ پس نقش راننده در این حادثه چه میشود؟ رفتار راننده در تصادفات جاده ای، عامل تعیین کننده اصلی است و رفتارهای ضداجتماعی با خشونت در رانندگی و نحوه رانندگی خشن نیز با تصادفات رابطه داشته دارد. اینکه خودروهای ایرانی و جاده های ناامن به عنوان عامل های مهم در تلفات جاده ای به شمار می‌روند، نه اینکه واقعیت نداشته باشد اما قطعاً همه حقیقت نیست زیرا آمارها نشان داده است که همدستی خودرو ها و جاده ها و رانندگان باعث شده ایران در سال گذشته ۲۸هزار نفر کشته در تصادفات جاده ای داشته باشد پس نحوه ی صحیح رانندگی یک فاکتور اصلی در این خصوص بشمار میرود. در هنگام رانندگی ممکن است مشکلاتی بوجود آید مانند رعایت نکردن حق تقدم که خیلی از اوقات موجب نزاع و درگیری میشود و بوق های بی مورد در پشت چراغ قرمز و توقف روی خط عابر پیاده و... همه ی این موارد شخصیت و فرهنگ شخص راننده را نمایان می‌سازد. در واقع نحوه رانندگی نمونه ای بارز از اخلاق اجتماعی اشخاص است، چراکه رعایت قانون و مقررات، احترام به حقوق دیگران، افزایش آستانه تحمل فردی در مقابل محرک های ترافیکی و میزان پاکیزگی و سلامت اتومبیل و ایجاد فضای آرام برای سرنشینان و رانندگان دیگر، همگی نمونه هایی از رفتار اجتماعی راننده است که هنگام رانندگی ناخودآگاه از شخصیت واقعی او منعکس می شود. عدم رعایت حقوق دیگر رانندگان و تجاوز به حریم آنها یا ایجاد وحشت و اضطراب در بین دیگران نشانه خشونت و بد رفتاری فرد می باشد و او را شخصی گستاخ و متجاوز معرفی می کند. رانندگی در دو جمله یعنی رعایت قانون و مقررات و رعایت حقوق و حریم دیگران است و ما باید این باور را در ذهن خود بیروان کنیم که از عدم رعایت قانون و مقررات راهنمایی و رانندگی نمی توان برای نمایش توانمندی ها و استعدادهای نهفته خود استفاده کرد چراکه با این کار تنها شخصیت ما نزد دیگران تضعیف می شود و موجب ترویج و توسعه فرهنگ غلط رانندگی در بین اطرافیان و اعضای خانواده خود می شویم.

فرازی از وصیت نامه شهید فرامرز بخشی پور

بر سنگ قبرم اسم مرا ننویسید و به جای آن حدیث امام حسین(ع) را که معلمم به من آموخته ، بدهید بنویسند. (ان کان دین محمد لم یستقم الا بقتلی فیا سیوف خذینی) اگر دین محمد(ص) تداوم نمی‌یابد مگر با کشته شدن من ، پس ای شمشیر ها مرا در برگیرید.

طنز

سید محسن حسینی



رنج نامه

قبل از آن به که زبان بازی کنی خود کلاه خویش را قاضی کنی لانه مرغی که سپردی تو به ما خیر سر اسمش نهادی خوابگاه لانه ی مرغ و کلاغ و کفتر است گرچه دائم جفت گوشانت در است صحبتی دارم به گوش دل بگیر گوش چپ را بهر حرفم گل بگیر تا بماند حرف من اندر سرت تا بریزد تک تک کرک و پرت غیر حق گویم اگر زین ماجرا تو له ام کن در میان دست و پا پیش خود گویم که ناسلامتی درس میخوانم مکان دولتی دولتی و نیمه باشد یا آزاد هر سه جایش پولها رود به باد سی تومن مازاد بهر چه دگر می ستانی از افراد در به در اتصالی کرده یا سیم پریز؟ یا که جوهر ریخته بر روی میز؟ نکند کفی کفشت شد سوراخ ؟ خاری بر پا آوردت هی آخ و واخ؟ شاید درز شلوارت گشته باز؟ یا که سرقت میکنی بهر نیاز؟ خود بگو ای ناظر ناناازی ام علتت دندان شکن بود ، راضی ام سی تومن سهل است سیصد میدهم هرچه گفتی تو که باید ، میدهم تو فقط علت بیاور جان من نوش جانت روزی من نان من کاش این پولها خرج ما شود لامپ های مرده باز احیا شود کاش پنجره میان بادهای نزند پس لرزه ها... فریادهای کاش حمامش همیشه گرم بود تخت خوابیدن برایم نرم بود کاش انقدر نگویم کاش ، کاش دگر نسوزد دهان بهر این آش در ایبات قبل گر یاد آیدت که تفکر عمیقی بایدت گفته بودم یافتم صدها دلیل بر عیوب خوابگاه بی بدیل گر بگویم عیب های دیگرش از سرویس بهداشتی بی درش ای برادر بهر شادی خدا کیسه را شل کن برای حال ما تا نگویم من که مشکل ناظر است که فقط هنگام پولش حاضر است

بعد فرغت از ادوار مدرسه دوره ی جبر و سؤال و هندسه سدی اعظم شد نمایان رو به رو تا شکافد علم ما را مو به مو سدی از جنس کتاب و تست و هوش گرچه پر بوده مرا این ها به گوش گرچه از ذهنم بسی سد دور بود لیک نام اعظمش کنکور بود کبک گشتم چهار ساعت سر به برگ غرق گشتم زیر حجم این تگرگ تا به چشم دیدم که آن روزم گذشت نور چشمانم فدای علم گشت بر نشستم تا جواب آید به ماه تا که یادم آرد ایام سیاه روزهای تیره و شب زنده دار شام بی خوابی و درد بی شمار گر پدر سهمی ز روز جنگ داشت بر پسر ارثی گرانمایه گذاشت سهم من از سهمیه باد هواست پانزده درصد ز تو ، ما را دواست گرچه سهمی نی مرا زین ماجرا لیک خوشحالم که استادم به پا تا که تاریخ نتایج سر رسید هرکسی محصول کشت خود بدید شکر ایزد رتبه ام مطلوب بود گرچه نه عالی ولیکن خوب بود تا به لطفم برگرفت یزدان پاک قسمتم شد سر در شهر “ اراک ” ترجمانم تا کجا باشد رفیق تا که شرحی باشدم بر تو دقیق از اساتید و کتاب های عمیق یا که از سلفش بگویم بی دریغ بگذریم از سلف های بی عدل و داد زورم اکنون نرسد به اوستاد باید بهر خنده ی اهل خرد محتوایی گویم تا هوشش پرد محتوایی طنز گونه با دوام گوش پرکن باشد از نوع کلام گویمت از خوابگاهی بی بدیل بر عیوبش یافتم صدها دلیل علت اول قصور ناظر است که فقط هنگام پولش حاضر است ناظران خویش خواه با جیب پر هیکل ها... آه... کله گنده ، مفت خور ناظر ای خوش صحبت ای مرد عزیز ای که صد حرفت نباشد چون پشیز

بهار ۱۳۹۸

امضاء ؛ یک دانشجو

تلنگر به مردم

کار خودمان است؛ نه خودشان...

این روزها همه درباره ی انقلاب و پیامدهای آن سخن می گویند یا می نویسند. تا آنجا که ما دیده ایم، بیشتر نقد و اعتراض می کنند تا مدح و ستایش؛ اما وقتی در فهرست اعتراض ها و انتقادات می نگریم، شگفت زده می شویم؛ زیرا هیچ عیبی در حکومت نمی بینی که بازتابی از واقعیت های جاری و شایع در میان مردم نباشد. مردم، سیاست ها و دولت مردان را به چیزهایی متهم می کنند که خود کم و بیش به آن آلوده اند. شما در زندگی به چند ایرانی اعتماد کرده اید که از آن پشیمان نشده اید؟ از هر ده ایرانی چند نفر را می شناسید که انصاف را بر زورگویی و حقیقت را بر منفعت و دیگری را بر خویشتر ترجیح دهد؟ مگر یک دختر جوان در کوچه ها و خیابان های ایران امنیت دارد که مردم کوچه و خیابان از حکومتشان توقع حمایت و مروت دارند؟ چند درصد از هشتاد میلیون ایرانی، منافع ملی را در پای منفعت های جزئی و شخصی قربانی نمی کند که از حکومت می خواهیم چهارچشمی مراقب منافع ملی باشد؟ مگر ما همدیگر را کم دور می زنیم که از حاکمان توقع داریم با ما صاف و صادق باشند؟ تا امروز به چند ایرانی برخورده اید که حاضر شده است یکی از چند شغل خود را رها کند تا جا برای جوانی بیکار باز شود؟ ما سیاستمداران را به توهم توطئه متهم می کنیم؛ اما تردید نکنید که توهم توطئه سابقه ای دراز در فرهنگ عمومی ایرانیان دارد. ایرج پزشکزداد کتاب "دایی جان ناپلئون" را پیش از انقلاب نوشت، نه پس از انقلاب.

حافظ خوانی و حافظ دوستی ما گواهی می دهد که ریا هنوز در میان ما بیدار می کند؛ و گرنه از آن به حافظ پناه نمی بردیم و پس از شش صد سال، شعر حافظ همچنان نقل و نقل مجالس ما نبود. در وضعیت سخت اقتصادی و زیر فشار فقر و محرومیت، نمی توان از مردم خواست که همواره و در همه جا جانب اخلاق را فرونگذارند؛ اما بی اخلاقی و نامردمی در میان مرفهان ما بیشتر از فرودستان است. در تحلیل نظم سیاسی همواره این خطر برای شهروندان وجود دارد که وضع موجود را به گردن دیگری بیندازند؛ آن دیگری خواه دولت و حکومت باشد و خواه دشمن بیرونی و خواه جبر اجتماعی. نظم سیاسی در خلأ یا بر اثر تصادف شکل نگرفته است و اگر هم چنین باشد، ممکن نیست که استمرار آن نیز وامدار خلأ یا تصادف باشد. اگر ما مهم ترین مسائل سیاسی کشور و بلکه عظیم ترین مصائب ملی را به فرصتی برای جوک سازی تبدیل کرده ایم، بر اثر تصویری است که از دوگانگی ملت و دولت داریم. هیچ کس برای خود جوک نمی سازد، و ما نیز اگر حکومت را بخشی از هویت اجتماعی خویش می دانستیم، برای آن جوک نمی ساختیم. حکومت را و حاکمان را و دولت را "دیگری" می پنداریم که این گونه کارخانه ی جوک سازی ما به تولید انبوه در لحظه رسیده است؛ غافل از آنکه نظم سیاسی موجود، گوشه ای از جهان ایرانی ما است. برخلاف نخبگان امروز، آثار روشنفکران و نویسندگان عصر مشروطه، سرشار از نقدهای تند اجتماعی است. آنان بیش از دولت قاجار، مردم را نقد و حتی هو کردند. "سیاحت نامه ابراهیم بیگ" را بخوانید تا ببینید زین العابدین مراغه ای چه کیسه ای به تن ملت کشیده است. کتاب "احمد" نوشته عبدالحییم طالبوف، نقد باورهای عمومی است نه نظم سیاسی کشور. عبدالله مستوفی در "شرح زندگانی من"، مردم را به باد انتقاد گرفته است، نه فلان الدوله و بهمان السلطنه را. میرزا محمدعلی محلاتی در سفرنامه و خاطراتش، مردم را مقصر می خواند. نمی گویم نقد حاکمان را رها کنیم و تنها گریبان ملت را بگیریم؛ اما باور کنیم که از کوزه همان برون تراود که در اوست.

عملی سازی این مهم، به پویایی آن بپردازیم. هنگامی که متن و نوشته ای منتشر می شود، چه علمی و چه یک مقاله عادی باشد، باید با املا و نگارش درست نوشته شود. خواننده یک متن علمی که تمام هوش و حواس خود را جمع کرده تا صحت علمی مقاله را درک کند، به محض برخورد با یک غلط املائی، نسبت به کل موضوع بی اعتماد می شود. عدم رعایت قواعد درست نویسی و دستور زبان نیز موجب همین حالت شک و تردید می شود. به همین دلیل است که صاحب نظران امر تحقیق توصیه می کنند هر نوشته ای قبل از انتشار به خوبی مرور شود و در کتاب هایی که از همین صاحب نظران منتشر شده بر اهمیت شیوه نگارش تأکید بسیار شده است. اهمیت این موضوع به اندازه ای است که در نشریات علمی، یکی از نقش های بسیار مهم به ویراستاران اختصاص دارد. قواعد و آیین نامه های نشریات علمی فارسی زبان نیز بر نقش ویراستاران تأکید دارد و حضور ویراستار تخصصی و ادبی یکی از شرایط اصلی در نشریات علمی شمرده می شود. به غیر از املائی درست واژه ها، شیوه نوشتن فارسی نیز طی چند دهه اخیر دچار تجدید نظرهایی شده و معیارهایی همچون حفظ استقلال واژه ها و استفاده صحیح از فعل ها و بسیاری نکات دیگر، مورد تأیید ادیبان و صاحب نظران قرار گرفته و توسط نهادهایی همچون فرهنگستان زبان و ادب فارسی تصویب شده است و رعایت می شود.



زبان شیرین پارسی که همان زبان مادری ما می باشد، مجموعه ای ارزشمند شامل پارسی باستان، کتیبه ها و سنگ نوشته های قدیمی با خطوط میخی و پارسی میانه یا پارسی دری با سنگ نوشته های خطوط پهلوی و از سویی دیگر الهام گرفته از فرهنگ بعد از اسلام، همه جا بهترین سرمایه ملی و هویت ما ایرانیان است. این امانت گران بها، میراثی است که سینه به سینه و نسل به نسل به دست ما رسیده است، اهمیت آن زمانی بیشتر می شود که حماسه سرای ایران باستان، فردوسی می گوید عجم را با آن بها داده و قدر و قیمت بخشیده است. با توجه به این ویژگی، یکی از مواردی که می تواند در رشد و گسترده گی حوزه مفهومی زبان پارسی، مدد رساند، کاربرد روش های درست نویسی و درست گویی واژه ها در زبان است. افزون بر این، به کارگیری روش های درست نویسی و درست گویی واژه ها کمک می کند تا زبان را از آسیب های روزمره و لغزش های معنایی دور نگهداریم، و با

آنچه شما گفتید:

۰۹۵۳***۰۹۲۱: به نظرم [در شماره قبل (۱۴۲)] زیاده روری کردید. تیترا واقعاً توهین آمیز بود و این نحوه حمله به رئیس جمهور برای نشریه ی شما قابل قبول نیست. ممنون از توجه و نقد جناب عالی. قصد توهین و تخریب نداشتیم، نداریم و نخواهیم داشت. صرفاً وعده های ایام انتخابات و اتفاقات بعدش را یادآوری کردیم.

۰۹۱۷***۰۲۰۴: ای کاش غذای روز های غیر ماه رمضان هم به خوبی الان بود.

۰۹۰۲***۰۵۶۹: افطار و سحری رو پنج شنبه و جمعه رزرو کردم که هر وعده سحری ۹۵۰۰ تومان و هر وعده افطاری ۶۵۰۰ تومان بود. از گرون بودنش که بگذریم پنج شنبه سحری رو نیوردم و قبلش هم اطلاعی ندادم. واقعا چرا نظارت نیست؟

۰۹۱۸***۰۶۴۵: نظافت سرویس بهداشتی های فنی افتضاحه نمیدونم مشکل کجاست و اصن نمیدونم به کی باید بگیریم؟

شما میتوانید آزادانه انتقادات و پیشنهادات خودتان را در مورد مسائل دانشگاه و نشریه از طریق شماره تلفنی ۰۹۳۷۶۴۴۵۷۲۶ به اشتراک بگذارید.

در فضای مجازی هم با همین شماره با شما در ارتباط خواهیم بود...



صاحب امتیاز:

بسیج دانشجویی دانشگاه اراک

مدیرمسئول: رسول یوسفی

سردبیر، طراح و صفحه آرا: حامد آقار

با تشکر از همه ی کسانی که در

آماده سازی و چاپ این شماره هم

به ما یاری رساندند.

basijaraku

basij_araku

basij_araku

basij_araku

basijarakuni@gmail.com

دانشگاه اراک، ساختمان جهاد، حوزه باقرالعلوم (ع)

(سردبیر) ۰۹۳۷۶۴۴۵۷۲۶

